

مقدمه :

در حقوق اسلام به احتمال خطا و اشتباه قاضی توجه شده، که با عنایت به منابع معتبر اسلامی و فتاوای معتبر جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی بر عهده دولت اسلامی است، ولی در خصوص تقصیر قاضی بسیار به ندرت سخن به میان آمده است که علت این امر این است که در حقوق اسلام قاضی دارای ملکه تقوی و عدالت می‌باشد، لذا از سوء نیت و تقصیر در وارد ساختن ضرر به دیگران مبری خواهد بود.

قاضی منصرف از موارد تقصیر و سوء نیت می‌باشد و با توجه به اصول کلی حقوقی اسلام در زمینه مسئولیت مدنی ادله‌های عدم مسئولیت مدنی قاضی منصرف از موارد تقصیر و سوء نیت قاضی می‌باشد و با توجه به اصول کلی حقوق اسلام در زمینه مسئولیت مدنی و شرایطی که برای قاضی و آداب قاضی در اسلام پیش‌بینی شده به روشنی استنباط می‌گردد که در موارد تقصیر شخص قاضی مسئول خسارت‌های وارده به زیان‌دیده می‌باشد.

در حقوق که منشأ و مبنای اصلی آن حقوق اسلام است منابع متعددی معترض مسئولیت مدنی قاضی شده‌اند و تحت شرایطی قاضی را دارای مسئولیت مدنی دانسته‌اند، ولی رویه قضایی تمایل بیشتری به مصونیت قاضی داشته است و اثبات تقصیر قاضی را موکول به اظهار نظر دادگاه انتظامی قضات کرده است و حتی در موارد بسیار

محدودی که زیان دیده موفق به اثبات محکومیت انتظامی قاضی در دادگاه انتظامی قضات شده است محاکم صالح قاضی را مسئول جبران خسارت زیان دیده ندانسته اند و تقصیر ارتكابی از ناحیه قاضی را یک نوع تقصیر غیر عمدی دانسته اند.

مسئولیت مدنی به طور کلی عبارت است از تکلیف یا وظیفه جبران خسارتی که به وسیله شخصی به دیگری وارد می شود که خسارت وارده، می تواند در رابطه با قرارداد یا غیر آن باشد، (معنای عام مسئولیت مدنی)، اما در رابطه با مسئولیت مدنی قضات در حقوق ایران باید گفت که در هر مورد که قاضی به مناسبت اشتغال به شغل قضا و یا در ارتباط با آن شغل، ناگزیر از جبران خسارت وارده به دیگری باشد، در برابر وی مسئولیت مدنی دارد، واضح است که مسئولیت قاضی از شاخه های مسئولیت مدنی به معنای عام است.

هر چند که بحث مسئولیت قاضی تنها در قرون اخیر به ویژه از نیمه دوم قرن نوزدهم به بعد در حقوق کشورهای جهان مورد توجه واقع گردیده، اما باید گفت که این مبحث در فقه امامیه سابقه داشته و به عنوان ضمان قاضی مورد بحث قرار گرفته، به گونه ای که در موارد تقصیر عمدی قاضی، ضمان بر خود وی و در موارد اشتباه و خطای غیر عمدی او، ضمان بر بیت المال بار گردیده است.

با این همه در حقوق ایران تا پس از انقلاب اسلامی و تصویب اصل ۱۷۱ قانون اساسی، به دلایل گوناگون، هیچگاه ضمان و مسئولیت قاضی به جد مورد توجه قرار نگرفته و موضوعیت نیافته است. حتی پس از تدوین و تصویب اصل ۱۷۱ قانون اساسی نیز تاکنون به علت عدم وجود قانون خاص در راستای اجرای اصل مذکور، مسئولیت قاضی آنگونه که در این اصل بیان شده، نتوانسته است جامه عمل به خود بپوشاند و درست به همین دلیل، رویه قضایی در این باره بسیار فقیر می باشد. در این رساله کوشش به عمل آمده تا مفهوم اقسام و عناصر مسئولیت مدنی، نظریات متفاوت پیرامون مسئولیت قاضی و مبانی فقهی مسئولیت قاضی و بالاخص تقصیر عمد و خطای غیر عمدی وی، که سبب ایجاد خسارت و صدمه بر افراد بی‌گناه می‌گردد، آنگونه که منظور فقه امامیه و حقوق ایران می‌باشد، مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در همین راستا به توصیف مواد و اصول قانونی، به ویژه اصل ۱۷۱ قانون اساسی پرداخته شده و توجه داده شده که در صورت عدم تصویب قانونی در راستای اجرای اصل مذکور، شاید مسئولیت مدنی قاضی آنگونه که مد نظر قانونگذار بوده است، هیچگاه به واقع جامه عمل به خود نپوشاند. ما در این پایان نامه پنج فصل داریم که فصل اول شامل کلیات و تعاریف می شود و فصل دوم شامل تعریف مسئولیت می باشد که در این فصل

انواع مسئولیت تعریف شده است و فصل سوم بیانگر ادله مسئولیت مدنی قاضی است که شامل منابع قانونی و منابع فقهی می باشد .

در فصل چهارم پیشینه تاریخی مبانی مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایران آورده شده است که شامل سه گفتار می باشد و فصل پنجم که فصل آخر است بیانگر شرایط تحقق مسئولیت مدنی قاضی و شامل و سه گفتار می باشد و در آخر نتیجه آورده شده است .

فصل اول کلیات و تعاریف

فصل اول : کلیات و تعاریف

۱. بیان مسئله

در زندگی اجتماعی ، اختلاف، درگیری ، تعدی به حقوق دیگران ، ارتکاب جرم و قانون شکنی از سوی برخی اشخاص بروز می کند و باید جامعه نسبت به این امور واکنش مناسب از خود نشان دهد یعنی با تعقیب و پی گیری و اقدامات تأمینی و تربیتی و تعیین مجازات از تجاوز به نظم و امنیت اجتماعی و اخلاق حسنه جلوگیری شود و مجرمین بدون کیفر باقی نمانند و در سایر اختلافات از طریق رسیدگی قضایی به دعاوی، دعاوی را حل و فصل کند و این مهم تنها از طریق یک سیستم قضایی منسجم ، با قضاتی آگاه و صالح امکان پذیر است. در جوامع بدوی حل اختلافات و اجرای عدالت جنبه شخصی داشت اما با وسعت حجم انتقاجویی ها و درگیریهای قبیلله ای که منجر به هرج و مرج و از بین رفتن انسجام می شد، کار ساز نبود. سرانجام جوامع مختلف به این نتیجه رسیدند که اجرای عدالت و حل و فصل دعاوی و مجازات مجرمین تنها در سایه تشکیل حکومت و با استفاده از قدرت و امکانات حاکمیت امکان پذیر است که مکتب اسلام آنرا مورد توجه و تأکید قرار داده است و ذیل به فرازهایی از آیات و گفتار قرآن کریم ، معصومین (ع) در خصوص ضرورت اعمال حاکمیت و تشکیل سیستم قضایی و اهمیت و جایگاه آن و شرایط قضات اشاره می کنیم:

۱- ((یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی))^۱ ((ای داود ما تو را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار دادیم پس بر اساس این موقعیتی که به تو داده شده است در میان مردم بر اساس حق قضاوت کن و در این قضاوت پیروی از تمایلات و هواهای نفسانی نکن)).

طبق این آیه قضاوت از منصب های حکومتی و از ارکان اعمال حاکمیت محسوب می شود.

۲- ((ان الله یأمرکم أن تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل...))^۲

۳- ((انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اراک الله...))^۳

۴- ((انما المومنون اخوه فاصلحوا بین اخویکم))^۴.

۵- ((اتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم...))^۵

۶- حضرت علی (ع) در نهج البلاغه از قول پیامبر اسلام (ص) نقل می کند ((صلاح ذات البین افضل من عامه الصلاه و الصیام))، اصلاح بین مردم و حل اختلافات اجتماعی از عبادتهای یکساله روزه و نماز فضیلت بیشتری دارد.^۶

۱- سوره صاد/۲۵.

۲- سوره نساء /۵۸.

۳- سوره نساء /۱۰۵.

۴- حجرات/۱۰.

۵- سوره انفال /۱.

۶- نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام ، ص ۹۷۷.

آنچه از مجموع آیات و روایات استفاده می شود آن است که وجود یک دستگاه قضایی منسجم با قضاتی آگاه و صالح امری ضروری است و اشخاصی که از حیث علمی و خصوصیات اخلاقی صلاحیت این امر مهم را دارا هستند باید به قول این منصب و انجام این مهم همت گمارند.

از آنجا که طبیعت قضاوت با مشکلاتی همچون احتمال خطا و اشتباه همراه است باید قضات از مصونیت بالائی برخوردار باشند به گونه ای که در پی احکامی که در مقام حل و فصل دعاوی یا تعقیب و مجازات مجرمان صادر می کنند. مسوولیت مدنی نداشته باشند. این همان اصلی است که در تمام سیستم های حقوقی با شدت و ضعف پذیرفته شده است.

لیکن اعطای چنین مصونیتی نباید منجر به تقصیر، کوتاهی یابی مبالغاتی و تضییع حقوق آحاد جامعه شود. زیرا چه بسا که شخص مظنون به ارتکاب جرم به مقام قضایی تعقیب، توقیف و مجازات می شود یا خوانده دعوا بر اساس ادله موجود محکوم بر پرداخت مالی یا توقیف اموال و یا ممنوعیت از معامله و مانند آن می شود و اما پس از مدتی ثابت می شود که آن حکم یا قرار بر مبنای برداشت اشتباهی قاضی یا تدلیس و نیرنگ در اقامه دعوا یا شهادت کذب و یا جعل اسناد و مانند آن صادر شده است.

حال با توجه به احتمال سوء نیت و تقصیر حدود
مصونیت قضایی چیست؟

اگر شخصی در اثر خطا و یا تقصیر قاضی به
مجازات محکوم و یا به پرداخت مال یا خسارتی
محکوم شد ولی سرانجام بی گناهی او ثابت گردید،
چه کسی مسوول خسارتهای ، مادی یا معنوی اوست؟
قاضی ، افراد دیگری که در صدور حکم نقش داشته
اند ، دولت بعنوان مسوول اعمال قاضی یا
هیچکدام؟ و سرانجام شیوه جبران خسارت چگونه
است؟

قاضی بر اساس اسناد و مدارک و شواهد قضاوت می
کند. گاهی اسناد و مدارک و شواهد خطا است و
قضاوت قاضی و حکم او با خطا مواجه می شود و
گاهی نیز تشخیص قاضی خطا است.

۲- سوالات اصلی تحقیق

- ۱- آیا قاضی در خطاء قضائی مسئولیت دارد؟
- ۲- آثار مدنی و کیفری خطاء قاضی چیست؟
- ۳- چه کسی مسئول جبران خسارتهای مادی یا معنوی بوجود آمده از اعمال قاضی است؟
- ۴- آیا اطلاق ادله مبنی بر جبران خسارت، شامل قاضی و دستگاه قضایی نیز می گردد؟

۳- فرضیه ها :

- ۱- قاضی از مصونیت کامل قضایی برخوردار نمی باشد.
- ۲- قاضی در برابر خطای عمدی خویش مسئولیت دارد.
- ۳- دولت مسوول اعمال خطایی قاضی می باشد.
- ۴- خطای قاضی قابل پیگرد قانونی در دادگاه عالی انتظامی قضات می باشد.

۴- اهداف :

- ۱- خدمت به دستگاه قضایی برای ارائه حل در خسارت های وارده در اثر خطای قاضی
- ۲- بررسی نوع خطاهای قاضی از جهت قانونی و مجازات آن.
- ۳- تبیین مسئولیت شرعی و قانونی قاضی در موارد خطا در صدور حکم.

ه- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

چون که خطای قضای موجب خسارت بسیار زیادی از نظر مالی و جانی برای مردم می شود و همچنین برای دستگاه قضایی هزینه سنگینی دارد ضروری است در مورد خطای قضای و مسئولیت او در قبال این خطا بحث شود.

سابقه تحقیق : در کتب فقهی به صورت پراکنده این موضوع وجود دارد و در کتب آئین دادرسی و حقوق جزای اختصاصی اسلام بررسی شده است.

۶- مفهوم قضا :

۶-۱- مفهوم قضا در لغت

قضا به فتح قاف در لغت به معنای فرمان دادن، حکم کردن، فتوی دادن، رأی دادن، به حاجت کسی رسیدن و روا کردن، آگاهانیدن و پند دادن است.^۱

قاضی کسی است که به شغل قضا و فصل خصومت و تدافع اشتغال دارد^۲ و لفظ قاضی شامل تمام قضات اعم از قضات دادگاه های بدوی، تجدید نظر، دیوان عالی کشور، قضات دادگاه انقلاب، دادگاه های نظامی، دادگاه ویژه روحانیت، دادستان ها، معاونان ایشان، بازپرسها و دادرها نیز می گردد.^۳

۶-۱-۱- مفهوم قضا در قرآن

(۱) اراده نمودن مانند آیه شریفه: « و اذا قضی امرنا نقول له کن فیکون^۴»

(۲) خلق کردن و آفریدن مانند آیه شریفه: « فقضیهن سبع سموات فی یومین^۵»

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه جلد ۳۸، ص ۳۳۵

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۳۹

۳. مازندرانی، محمد صالح، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۳۹

۴. سوره مبارکه بقره آیه ۱۱۷: هستی بخش آسمان ها و زمین او است. و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر می کند می گوید: موجود باش و آن فوراً موجود می شود.

۵. سوره مبارکه فصلت آیه ۱۲: آنها را به صورت ۷ آسمان در ۲ روز آفرید

- ۳) امر کردن مانند آیه شریفه: «و قضی ربک ان لا تعبد الا اياه^۱»
- ۴) اظهار کردن مانند آیه شریفه: «الا حاجه فی یعقوب قضیها^۲»
- ۵) حتم و مقرر کردن مانند آیه شریفه: «فلما قضینا علیه الموت...^۳»
- ۶) اتمام مانند آیه شریفه: «فلما قضی موسی الاجل^۴»

گرچه در قرآن کریم معانی زیادی از قضاوت به کار برده شده است اما معنی اصلی و مشهور آن که در میان حقوقدانان اسلامی است همان حکم کردن میان مسلمان و دادرسی است.^۵

۲-۶-۱- مفهوم قضا در اصطلاح

معنای اصطلاحی قضاوت از کاربرد واژگی آن بیرون نیست چرا که قاضی با رسیدگی کار را پایان می‌دهد بنابراین از آنجایی که اکثریت فقها این لفظ را در مشهورترین معنای قضاوت که حکم است از باب اطلاق کلی بر فرد استعمال و از معنای عام به معنای خاص نقل نموده اند می‌توان گفت که معنای

۲. اسری آیه ۲۳: پروردگارت فرمان داد جز او را نپرستید

۳. یوسف ۶۸: جز حاجتی در دل یعقوب (که از این راه) انجام شد (و خاطرش تسکین یافت)

۴. سبا آیه ۱۴: هنگامی که مرگ را برای سلیمان مقرر کردیم

۵. یوسف ۴۱: کاری را که درباره آن نظر خواهی می‌کردید پایان یافت

۶. شیخ بهایی - جامع عباسی - بی تا - فصل اول باب ۱۶ ص ۲۰۰

اصطلاحی آن نیز صدور حکم و دادرسی بین طرفین دعوی است. فقهای عالی مقام اسلام با عنایت خاص به موضوع قضاوت در بیشتر کتب فقهی خود مبحث قضاوت را آورده بر اساس معیارهای اسلامی و استدلالات اصولی خود تعاریفی را برای قضاوت بیان داشته‌اند. شهید اول در کتاب لمعه تعریفی از قضاوت ننموده است اما در کتاب دروس آن را تعریف نموده و می‌گوید: «القضاء هو ولاية شرعية على الحكم و المصالح العامه من قبل الامام عليه السلام»^۱ فاضل هندی در کتاب کشف اللثام قضاوت را چنین تعریف می‌کند: «القضاء هو فصل الامر قولاً او فعلاً»^۲ مرحوم نراقی در کتاب مسند می‌گوید: «القضاء هو ولاية حكم خاص في واقعه مخصوصه و على شخص مخصوص با ثبات ما يوجب عقوبه دنيويه شرعا او حق من حقوق الناس»^۳

سید محمد کاظم یزدی در کتاب عروه الوثقی قضاوت را چنین تعریف کرده است: «دادرسی میان مردم به هنگام ستیز و برخورد و برکنار ساختن اختلاف و پایان دادن موضوع مورد اختلاف میان آنان»^۴. شیخ محمد

۱. شهید اول - دروس - کتاب القضاء - چاپ سنگی - بی صفحه

۲. فاضل هندی ، بهاء الدین محمد ، کشف اللثام فی شرح قواعد الاحکام ، کتاب القضاء ، بی صفحه

۳. نراقی ، احمد ، مستند الشیعه ، به نقل از سنگلجی ، محمد ، قضا در اسلام ، ص ۱۰

۴. یزدی ، سید محمد کاظم ، عروه الوثقی ، جلد ۳ ، ص ۲

حسن نجفی در کتاب معروف جواهر الکلام در تعریف قضاوت می‌گوید: «ولایت شرعی در صدور حکم از سوی کسی که بتواند در مسایل جزئی شرعی فتوی دهد»^۱.

حضرت امام خمینی نیز در کتاب تحریرالوسیله در تعریف قضاوت می‌فرماید: «و هو الحكم بین الناس لدفع التنازع بينهم بالشرايط الآتیة»^۲ حقوقدانان متأخر اسلامی نیز ارائه تعاریف گوناگون علماء اسلامی از قضا بهترین تعریف را: حکم قاضی یا داور در مورد مسائلی که احراز کرده‌اند خواه امور کیفری باشد خواه نباشد بیان کرده است^۳. بنابراین باید گفت قضاوت منصبی است از مناصب حکومت که قاضی به مقتضای این منصب به احکام و اشخاص ولایت و سلطه پیدا می‌کند تا بتواند استیفاء حقوق و اجراء حدود و تعزیرات نماید و این سمت از طرف کسی به قاضی داده می‌شود که اولاً خود صلاحیت تصدی چنین منصبی را داشته باشد و ثانیاً شایستگی واگذاری آن را به دیگران نیز داشته باشد بنا بر عقیده مسلمین این شخص همان صاحب رسالت و نبوت است زیرا ولایت قضا

۱. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع السلام ف جلد ۴، تحقیق و تصحیح محمود

قوچانی، ص ۸

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، جلد چهارم، کتاب قضا، ترجمه علی اسلامی، ص ۸۰

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف علوم اسلامی و قضائی، جلد ۲ ص ۹۹۰

بخشی از ولایت مطلقه صاحب رسالت و شاخه‌ای از درخت پربار ریاست عامه پیغمبران و جانشینان برحق آنهاست^۱

۷- مقام و جایگاه قاضی :

الف) اهمیت قضاوت در متون اسلامی و از دیدگان بزرگان اسلام

۱- در قرآن کریم :

قرآن کریم به عنوان منبع غنی و کامل و منشور اصلی و زیر بنای دین مبین اسلام در مورد اهمیت قضاوت آیات بسیار گرانبهائی دارد، آیات مربوط به جلالت منصب قضاوت بسیار است که اکثر آنها دلالت صریح دارد که این مقام منیع را خداوند متعال به پیغمبران و اوصیاء معصومین (ع) موهبت فرموده است: (یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض ما حکم بین الناس و لاتتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله ان الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب شدید بما سنوا یوم الحساب)^۲

استقرار عدالت به مفهوم وسیع آن از بارزترین و مهم ترین اهداف پیامبران است: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و

۱. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، مقاله قضاوت از نظر اسلام، فصلنامه حق - ص ۱۲

۲-سوره مبارکه ص آیه ۲۶: ای داوود ما تورا در روی زمین مقام خلافت دادیم تا میان خلق خدا به حق حکم کنی و هرگز هوای نفس را پیروی نکنی که ترا از راه خدا گمراه سازد و آنان از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب را فراموش کرده اند و به عذاب سخت مغذب خواهند شد.

الميزان ليقوم الناس بالقسط.^۱ اسلام بارزترین ارزش و اهمیت را به مسئله قضاوت در جهت تأمین حقوق مردم و استقرار عدالت اجتماعی قائل شده و آن را امانت بزرگ تلقی نموده است.^۲ ان الله يا مرکم ان تودوا الا امانات الی اهلها و اذا حکمتم بين الناس ان تحکمو بالعدل.^۳ خداوند متعادل همچنین در مقام تاکید عظمت عدالت و اجراء حق و به منظور تحذیر و تهدید قضاوت از جانب‌داری جنایتکاران ، پیامبر اکرم (ص) را بدین گونه مخاطب

ساخت : ((انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بين الناس بما اراک الله و لاتکن للخائنین خصیما.^۴ و بدین وسیله خاطر نشان ساخت که امر خطیر قضاوت مفوض به اراده شخص پیامبر نیست بلکه او نیز می باید در کار حکومت پیرو ارشاد الهی و مجری حق صریح باشد و در جایی دیگر در جهت تأیید و تثبیت این حقیقت می فرماید: و انزلنا الیک الكتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه من الكتاب و مهیمننا علیه فاحکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع اهواءهم عما جاءک لسان - من

۳-سوره مبارکه حدید آیه ۲۵: همانا ما پیامبران خود را با ادله به خلق فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

۱-عمید زنجانی ، عباسعلی ، فقه سیاسی جلد اول - ص ۳۴۷ و ۳۴۸.

۲-سوره مبارکه نساء آیه ۵۸: خدا به شما امر می کند که امانت را البته به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شدید به عدالت داوری کنید.

۳-سوره مبارکه نساء آیه ۱۰۵: (ای پیامبر) ما به سوی تو قرآن را به حق فرستادیم تا به آنچه خدا به وحی خود بر تو پدید آورد میان مردم حکم کنی و نباید بر نفع خیانتکاران با مومنان به خصومت برخیزی .

الحق.^۱ در این آیه نیز خداوند به پیامبر امر می کند تا با عنایت به کتاب و احکام الهی در میان مردم فرمانروایی و قضاوت کند و از راه حق به پیروی هوای نفس منحرف نشود. همچنین در آیه بعدی باز می فرماید: وان احکم بینهم بما انزل الله و لا تتبع اهواءهم.^۲ با عنایت و با توجه به اینکه تصدی امر قضا و مسئولیت سنگینی را بر دوش متصدیان می گذارد قرآن کریم در سوره های اعراف، یونس، هود، بقره، آل عمران، نور و نساء نکات بسیار مهمی را در این باره متذکر گردیده است که از آوردن آنها خودداری می شود.

۲- اهمیت قضاوت در نهج البلاغه

نهج البلاغه به عنوان یکی از معتبرترین کتب جهان اسلام به لحاظ ارائه راه حلها، روشها و راهکارهای بسیار شیوا به عنوان یک متن اصیل اسلامی در همه اعصار و دورانها راهنمای مسلمانان به خصوص شیعیان بوده است. این کتاب بسیار گرانبها مجموعه گفتار حضرت علی (ع) و به صورت موزون و منظم بوده، و در سال ۴۰۰ هجری توسط سید رضی علم الهدی گردآوری شده است در تمامی

۴. در سوره مبارکه مائده آیه ۴۸: و ما این کتاب را به حق بر تو فرستادیم که تصدیق بدرستی و راستی همه کتبی که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب اسمانی قبل گواهی می دهد پس حکم کن میان آنها به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهشهای ایشان حکم حق که به تو نازل آمده وامگذار.

۱- همان آیه ۴۹، ترجمه: و تو ای پیامبر به آنچه خدا به تو فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو خواهشهای آنان مباش.

زمینه‌ها راهنما و هدایتگر مسلمانان بوده است. فرمان تاریخی و سرنوشت ساز امام علی (ع) به استاندار برگزیده خود برای مصر مالک اشتر نخعی- در صفر سال چهارم هجری به دست هاشم بن عتبّه الوقاص نگاشته شد- اگرچه مالک در شهر قلزم در سه منزلی مصر با عسلی زهرآگین جهان را بدرود گفت^۱ (۳۷ هـ) ولی فرمانی که حضرت علی برای او فرستاد در تاریخ اندیشه و تفکر حکومت گذاری، جاودانگی گرفت. اینکه به بررسی چندین جمله از جملات زیبای آن می‌پردازیم^۲:

۱. حضرت علی (ع) در اوصاف قاضی و نحوه انتخاب می‌فرماید: قضات را از میان کسانی انتخاب کن که در نظر تو بهتر و با فضیلت تر از دیگران هستند و یا به عبارتی دیگر برای داوری میان مردم از رعیت خود آن را گزین که نزد تو بهترین است. «ثم اختر للحکم بین الناس افضل رعیتک فی نفسک.»

۲. آنکه کارها بر او دشوار نگردد یعنی قاضی باید از کسانی باشد که از نظر وسعت اطلاعات مربوط در مقامی باشد که تراکم قضایا او را در تنگنا قرار ندهد. من لا تضییق به الامور.

۲. ساکت ، محمد حسن ، نهاد دادرسی در اسلام ، انتشارات ، ص ۸۰

۱. نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، ص ۳۳۲